

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال هشتم. شماره ۲۹. پاییز ۱۳۹۵

صفحات: ۴۶-۳۱

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱/۲۱- تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۱۴

## مدل یابی معادلات ساختاری عملکرد جنسی زنان بر اساس ناگویی خلقی، سیستم بازداری - فعال سازی رفتاری و صفات شخصیت

شیدا دهقانی\*

شهناز خالقی پور\*\*

### چکیده

این پژوهش با هدف تعیین مدل یابی معادلات ساختاری عملکرد جنسی بر اساس ناگویی خلقی، سیستم های اجتنابی- فعالسازی رفتاری و صفات شخصیت در زنان انجام گرفت. جامعه آماری زنان همسر دار مراجعه کننده به فرهنگسراهای شهر اصفهان بودند که ۲۲۶ نفر به روش در دسترس انتخاب شدند. پژوهش توصیفی از نوع معادلات ساختاری بود. جهت جمع آوری داده ها از فرم کوتاه پنج عاملی شخصیت نئومک کری و کاستا (۱۹۸۹)، پرسشنامه تجارب جنسی آریزونا (۲۰۰۸)، پرسشنامه ناگویی هیجانی تورنتو (۱۹۹۴) و مقیاس سیستم های بازداری- فعال سازی رفتاری کارور و وایت (۱۹۹۴) استفاده شد. داده ها با استفاده از روش همبستگی پیرسون و روش تحلیل مسیر انجام شد. نتایج نشان داد که، بین ناگویی خلقی و بازداری رفتاری با عملکرد جنسی رابطه منفی معنی دار وجود دارد ( $P \geq 0/001$ ). بین فعال سازی رفتاری و عملکرد جنسی رابطه مثبت معنی دار وجود دارد و صفت روان نژندی به واسطه ناگویی هیجانی و بازداری رفتاری بر عملکرد جنسی تاثیر منفی دارد ( $p \geq 0/001$ ). صفت پرونگرایی و توافق پذیری به واسطه فعال سازی رفتاری بر عملکرد جنسی تاثیر مثبت دارد ( $p \geq 0/001$ ). برازش مدل مفهومی عملکرد جنسی از طریق ناگویی خلقی، سیستم بازداری- فعال سازی رفتاری و صفات شخصیت مورد تایید قرار گرفت ( $CFI=0/97$ ).

کلید واژگان: عملکرد جنسی، ناگویی خلقی، سیستم های بازداری- فعال سازی، صفات شخصیت.

\* کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

\*\* استادیار گروه روانشناسی، واحد نایین، دانشگاه آزاد اسلامی، نایین، اصفهان، ایران (ایمیل، نویسنده مسئول:

(Khaleghipour@naeiniau.ac.ir

## مقدمه

عملکرد جنسی<sup>۱</sup> مناسب و سالم یکی از نشانه های سلامت جسم و روان است، یکی از مولفه های کیفیت زندگی به حساب می آید، باعث ایجاد حس لذت مشترک در بین زوجین می شود و توانایی فرد را برای مقابله کارآمدتر با استرس ها و مشکلات زندگی افزایش می دهد. مهمترین عوامل خوشبختی در زندگی زناشویی، روابط لذتبخش جنسی است و رضایت بخش نبودن آن منجر به احساس محرومیت، ناکامی و عدم ایمنی در همسران می شود. این محرومیت جنسی در بسیاری از مواقع در نهایت منجر به طلاق و ازهم گسستگی زندگی زناشویی می شود. بی توجهی به اهمیت مشکلات جنسی در روابط زناشویی موجب صدمات بسیاری به روابط زن و شوهر می شود و با ایرادگیری از همسر، ابراز نارضایتی از زندگی، قهرهای طولانی، تعارض و تهدید به جدایی همراه است (بیرنباوم میکولاینسر، اسپسن ول شاور، میزراهی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). اختلال در سیستم جنسی منبع اصلی تعارضات ارتباطی است که می تواند موجب تردید در مورد عشق و علاقه و افزایش نگرانی زوجین نسبت به پایداری ارتباط شود (اوحدی، ۱۳۸۵). عملکرد جنسی سالم در زنان، نقش مهمی در احساس سلامتی و بالا بردن کیفیت زندگی آنان دارد (سیگراوس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲). مروری بر مطالعات انجام شده درباره بررسی شیوع اختلال کارکرد جنسی در زنان و عوامل مرتبط با آن از جمله مطالعات پالاسیوس، کاستانو و گرازیوتین<sup>۴</sup> (۲۰۰۹)، هی ساسو، کوماموتو و ساتو<sup>۵</sup> (۲۰۰۵) بر روی ۲۰۹۵ زن ژاپنی و مطالعه پون هولرز، رولیچ و رز<sup>۶</sup> (۲۰۰۵)، که بر روی ۷۰۳ زن اتریشی صورت گرفت بیانگر افزایش شیوع اختلال کارکرد جنسی در زنان با افزایش سن آنها است. در این مطالعات عوامل هیجانی، روابط بین فردی و عوامل روان شناختی چون اعتماد به نفس و تصویر ذهنی بدن خود از جمله عوامل تأثیرگذار بر عملکرد جنسی زنان شناخته شد (گرازیوتین، سرافینی<sup>۷</sup>، پالاسیوس، ۲۰۰۹). مروری بر پژوهش های انجام شده مرتبط در ایران حاکی از آن است که اختلال عملکرد جنسی در بین زنان متأهل شایع و عواملی چون افزایش سن، مدت زمان تأهل، سابقه بیماریهای طبی و روانپزشکی و مصرف داروهای آن تأثیر گذارند؛ شایعترین اختلال عملکرد جنسی به ترتیب عبارت بود از کاهش میل جنسی، اختلال در ارگاسم، کمبود تحریک جنسی و درد جنسی به هنگام مقاربت (گشتاسبی، وحدانی، رحمانی و محمدی، ۱۳۸۶).

اختلالات عملکرد جنسی ممکن است تحت تأثیر عوامل شخصیتی، اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی پنهان باقی بماند و در مواردی خود را با علائم دیگری مثل ناراحتیهای جسمانی،

۱. Sexual function

۲. Birnbaum, Mikulincer, Szepeswol, Shaver, Mizrahi

۳. Segraves

۴. Palacios, Castano & Grazziotin

۵. Hisasue, Kumamoto & Sato

۶. Ponholzer, Roehlich, Racz

۷. Serafini

افسردگی و نارضایتی از زندگی زناشویی نشان دهد و گاه تا مرز اختلافات شدید خانوادگی و جدایی پیش رود (پالاسیوس و همکاران، ۲۰۰۹). متغیری که می تواند با عملکرد جنسی در ارتباط باشد ویژگی های شخصیتی<sup>۱</sup> است. شخصیت به مجموعه ای از صفات، ویژگیها و کیفیت های پایداری گفته میشود که یک فرد را از دیگران متمایز می کند (گرسپ، واکارو، فلنر، کلیمن، پالس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵). مطالعات مختلف نشان داد عملکرد جنسی افراد تحت تاثیر مولفه های شخصیتی همچون تجربه پذیر بودن و وجدان قرار می گیرد و ناتوانی جنسی با سبک رفتاری و ویژگی های شخصیتی مرتبط است (گرسپ، واکارو، پانچولی<sup>۳</sup>، کلیمن، فلنر، پالس، ۲۰۱۳).

از جمله موارد دیگری که پژوهشگران به ارتباط آن با اعمال جنسی اذعان کرده اند الکسی تایمیا<sup>۴</sup> می باشد. الکسی تایمیا به معنای ناتوانی در بیان احساسات به دلیل فقدان آگاهی هیجانی می باشد. الکسی تایمیا دربرگیرنده ویژگی هایی چون دشواری در تشخیص احساسات، دشواری در بیان و توصیف احساسات و تمرکز بر تجارب بیرونی است. پژوهش های انجام شده حاکی از ارتباط بین عملکرد جنسی افراد با الکسی تایمیک در آنها می باشد که از این میان می توان به پژوهش های بونانو، مایچتی، روسی و سیمونلی<sup>۵</sup> (۲۰۰۷) اشاره کرد.

یکی دیگر از مواردی که در رفتار های جنسی افراد تاثیر گذار می باشد دستگاه های فعال ساز<sup>۶</sup> و بازداری رفتاری<sup>۷</sup> است؛ این دستگاه ها با میزان ترشح هورمون های جنسی در بدن رابطه دارد. گریو مک ناتون<sup>۸</sup> (۲۰۰۰) در نظریه «حساسیت به تقویت» سه سیستم مغزی رفتاری متفاوت را مطرح کرد که مرتبط با تفاوت های شخصیتی است: ۱) سیستم بازداری رفتاری (۲) سیستم فعال ساز رفتاری و ۳) سیستم جنگ و گریز.

نتایج پژوهش های ورمش، اسجوئن، کافمن و واینکه<sup>۹</sup> (۲۰۰۹) بر روی ۳۰۱ نوجوان نشان داد که تفاوت های فردی در کارکرد این سیستمها و تعامل آنها، زیربنای رفتار های انسانی را تشکیل میدهند. سیستم فعالساز رفتاری به محرکهای شرطی پاداش و فقدان تنبیه پاسخ میدهد. سیستم بازداری رفتاری از طریق محرکهای شرطی که با حذف پاداش و تنبیه همخوانی دارند و محرکهای جدید یا محرکهایی که به صورت ذاتی دربرگیرنده ترس هستند، تحریک می شوند.

بیرنهام و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند که رفتار های جنسی افراد می تواند بر اساس سیستم های رفتار آنها تنظیم گردد. نتایج پژوهش های مختلف در این زمینه نیز موید این مدعاست: بین سبک های شخصیتی و ترس از روابط جنسی رابطه وجود دارد (شعاع کاظمی، ۱۳۸۴)، بین اختلالات

۱. Personality traits

۲. Crisp, Vaccaro, Fellner, Kleeman & Pauls

۳. Pancholy

۴. alexithymia

۵. Bonanno, Michetti, Rossi, Simonelli

۶. Behavioral activation system (BAS)

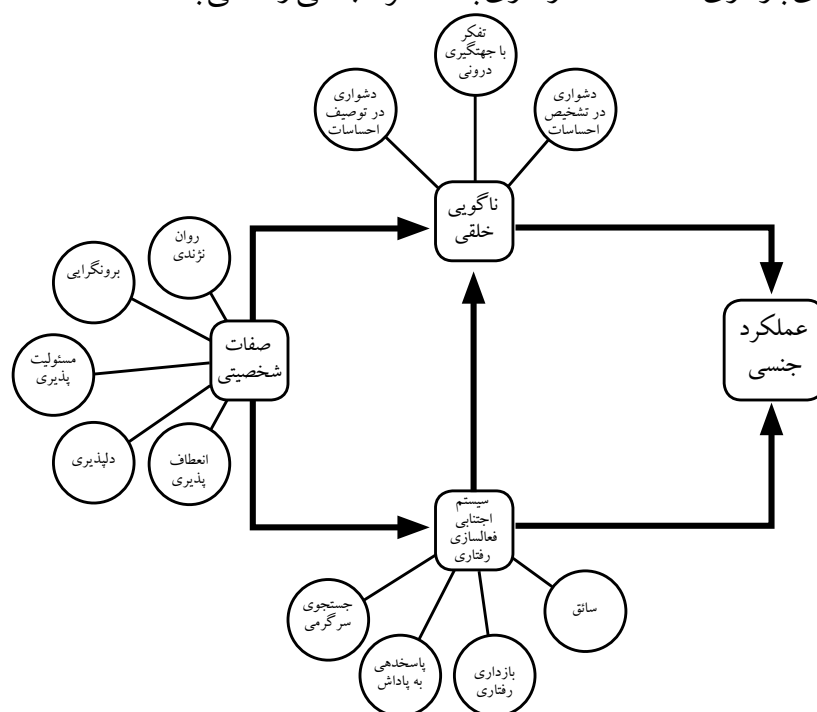
۷. Behavioral inhibition system (BIS)

۸. Gray & McNaughton

۹. Vermeersch, Sjoen, Kaufman & Vincke,

جنسی و ویژگی های شخصیتی از جمله روان رنجورخویی و بد کار کردی جنسی رابطه وجود دارد (کوینتا گومز و نویر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). بین باورهای جنسی و روان رنجورخویی رابطه وجود دارد (ثابتی آزاد و محمدی، ۱۳۸۶).

لذا برای برنامه ریزی دقیق به منظور ارائه خدمات بیشتر در زمینه افزایش سازگاری و بهبود رضایت زناشویی در زوجین و همچنین ارتقاء بهداشت روانی در جامعه نیاز به اطلاعات پایه و بررسی وضعیت عملکرد جنسی افراد جامعه است تا با استفاده از نتایج این گونه مطالعات بتوان ضمن ارزیابی نیاز مردم، حجم مشکل را دریافت و خدمات مطلوب و مناسب را به آنها ارائه داد و به رضایت از زندگی زوجین کمک کرد. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط صفات شخصیت، ناگویی خلقی و سیستم های بازداری - فعال کننده رفتاری با عملکرد جنسی زنان می باشد.



شکل ۱: مدل پیش فرض

## روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: طرح پژوهش توصیفی از نوع همبستگی چند گانه (معادلات ساختاری) بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان مراجعه کننده به فرهنگ سراهای شهر اصفهان در اردیبهشت تا مهر ماه سال ۱۳۹۴ تشکیل دادند که با معیارهای ورود دامنه سنی ۲۵-۵۰ سال، متأهل بودن، توانایی درک زبان فارسی و حداقل تحصیلات سیکل وارد مطالعه شدند. روش نمونه گیری در پژوهش حاضر از نوع نمونه گیری در دسترس بود، چون پژوهش حاضر از

۱. Quinta Gomes & Nobre,

نوع همبستگی باروش معادلات ساختاری بود. به پیشنهاد استیونس<sup>۱</sup> در نظر گرفتن ۱۵ مورد به ازای هر متغیر در معادلات ساختاری غیر منطقی نیست. کاربرد نمونه های کوچک تر می تواند موجب عدم حصول همگرایی، به دست آمدن جواب های نامناسب و یا دقت پایین بر آورد پارامترها و به ویژه خطای استاندارد شود. خطای استاندارد برنامه SEM<sup>۲</sup> بر پایه مفروضه نمونه بزرگ محاسبه می شود (هومن، ۱۳۸۸). لذا از آنجا که این پژوهش دارای ۵ متغیر اصلی (صفات شخصیت، بازداری -فعال سازی رفتاری، ناگویی خلقی و عملکرد جنسی) و ۴ متغیر دموگرافیک (سن، تحصیلات، شاغل بودن، مدت ازدواج) بود لذا حداقل حجم نمونه لازم برای این پژوهش ۱۳۵ نفر بر آورد گردید. لذا برای اطمینان بیشتر و کاهش خطای استاندارد تعداد ۲۵۰ پرسشنامه در بین زنان مراجعه کننده توزیع گردید و بعد از توصیف هدف پژوهش درخواست شد که پرسشنامه ها را تکمیل کنند که از این میان ۲۲۶ پرسشنامه به صورت تکمیل یافته به محقق برگردانده شد.

### ابزار سنجش

مقیاس تجارب جنسی آریزونا<sup>۳</sup> (۲۰۰۸): پرسشنامه تجارب جنسی توسط اساتید روانپزشکی دانشگاه آریزونا آماده سازی شده است؛ این مقیاس پنج ماده ای در سطح مراقبتهای بهداشتی اولیه جهت غربالگری اختلال عملکرد جنسی به کار می رود. پنج عنصر عملکرد جنسی شامل تمایل جنسی، برانگیختگی جنسی، لغزندگی واژن، توانایی رسیدن به ارگاسم و رضایت از ارگاسم را ارزیابی می کند. که بر اساس مقیاس شش گزینه ای لیکرت از ۱ تا ۶ تنظیم شده است. اگر نمره کل بیشتر از ۱۸ و یا نمره یکی از سوالات ۵ یا بیشتر از ۵ بود فرد دارای اختلال عملکرد جنسی محسوب میشود. مک گوی<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۰) پایایی این ابزار را باروش آلفای کرونباخ ۰/۹۰۵ و در پژوهش نوری زاده، بایرامی، رنجبر و پزشکی (۱۳۸۴) باروش باز آزمایی ۰/۸۷۳ گزارش کرده اند. در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۳ به دست آمد.

مقیاس ناگویی هیجانی (الکسی تیمیای) تورنتو<sup>۵</sup> (۱۹۹۴): این مقیاس توسط بگبی، پارکرو تایلور<sup>۶</sup> (۱۹۹۴) ساخته و تجدیدنظر گردید. در این مقیاس بیست ماده ای، سازه الکسی تیمیا در سه زیر مقیاس دشواری در تشخیص احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر با جهتگیری خارجی ارزیابی می شود. خرده مقیاس اول شامل ۷ ماده میباشد که توانایی آزمودنی را در شناسایی احساساتش و تمایز میان احساسات با حسهای بدنی را ارزیابی میکند. زیر مقیاس دوم ۵ ماده دارد که توانایی شخص در بیان احساسات و اینکه آیا قادر است احساسات خودش را در قالب لغات بیان کند

۱. Stevens

۲. Structural Equation Modeling (SEM)

۳. Arizona Sexual Experience Scale (ASEX)

۴. McGahuey

۵. Toronto Alexithymia Scale

۶. Bagby, Parker&Taylor

یا خیر، میسنجد. خرده مقیاس سوم ۸ ماده دارد و میزان درون نگری و عمیق شدن فرد در احساسات درونی خودش و دیگران را بررسی میکند. دامنه پاسخ به هر ماده ۵ درجه و از "کاملاً مخالف" تا "کاملاً موافق" نمره ۵ تعلق میگیرد. برخی مواد پرسشنامه به دلیل منفی بودن جهت مواد با الکسی تیمیا به شیوه معکوس نمره گذاری میشوند، یعنی به پاسخ "کاملاً مخالف" نمره ۵ و به پاسخ "کاملاً موافق" نمره ۱ تعلق میگیرد. بشارت (۱۳۸۸) در پژوهش خود ضرایب آلفای کرونباخ برای ناگویی هیجانی کل و سه زیرمقیاس دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۷۵ و ۰/۷۲ بدست آوردند که نشانه‌ی همسانی درونی خوب مقیاس است. روایی همزمان این مقیاس بر حسب همبستگی بین زیرمقیاس های این آزمون و مقیاس های هوش هیجانی، بهزیستی روان شناختی و در ماندگی روان شناختی مورد بررسی و تایید قرار گرفت و ضریب همبستگی بین زیرمقیاس های ناگویی هیجانی و متغیرهای فوق نیز معنادار بودند. نتایج تحلیل عامل تاییدی نیز وجود سه عامل دشواری در شناسایی احساسات و تفکر عینی را در نسخه فارسی این مقیاس تایید کردند. ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۸۱ به دست آمد.

مقیاس سیستم های بازداری-فعال سازی رفتار<sup>۱</sup> (۱۹۹۴): این مقیاس توسط کارور و وایت<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) برای اندازه گیری سیستم های بازداری و فعال سازی رفتار ساخته شد که شامل ۲۰ پرسش خود گزارشی در دو زیر مقیاس بازداری رفتار (BIS) ۷ سوال و زیر مقیاس فعال سازی رفتار (BAS) ۱۳ سوال تشکیل شده است. در این پرسشنامه عامل فعال سازی از سه زیر مقیاس سائق، پاداش، جستجوگری و عامل بازداری از یک زیر مقیاس تشکیل شده است. بازداری رفتار به معنای حساسیت مورد انتظار نسبت به اضطراب در زمانی است که فرد تحت تاثیر نشانه های تنبیه قرار می گیرد (مثلاً وقتی احساس می کنم کاری را ناقص انجام داده ام احساس نگرانی می کنم). پاسخ دهی مبتنی بر پاداش نشانگر تاثیر پاداش در ایجاد انرژی و هیجانات مثبت است. مثلاً (وقتی به چیزی که نیاز دارم می رسم سرشار از انرژی می شوم). اندازه سائق به معنای گرایش فعال فرد به اهداف جذاب است (مثلاً وقتی احساس می کنم به چیزی نیاز دارم با تمام وجود برای دستیابی به آن تلاش می کنم. زیرمقیاس پاسخ دهی مبتنی بر جستجوگری به معنای تمایل به جستجوی محرک های جدید و درگیری برانگیخته با فعالیت های پاداش دهنده است (مثلاً به دنبال موقعیت های جدید و هیجان انگیز هستم). در این ابزار هر عبارت دارای یک مقیاس پاسخ گویی چهار درجه ای است که از کاملاً موافق نیستم تا کاملاً موافقم (۱ تا ۴ نمره) دامنه دارد. در پژوهش عبداللهی (۱۳۸۵) آلفای کرونباخ برای مقیاس بازداری برابر با ۰/۸۱ و برای مقیاس فعال سازی ۰/۷۸ گزارش شده است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای مقیاس بازداری ۰/۷۹ و برای دیگر مقیاس های فعال سازی یعنی پاداش، سائق و جستجوگری به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۸۱ و ۰/۷۱ به دست آمد.

۱. Behavioral inhibition-activation system

۲. Carver & White

پرسشنامه پنج عاملی شخصیتی نتو<sup>۱</sup> (۱۹۸۹): این پرسشنامه شخصیتی توسط کاستا و مک کری<sup>۲</sup> تهیه و در سال ۱۹۹۲ تجدیدنظر شده است، ۵ عامل اصلی شخصیت و ۶ خصوصیت در هر عامل را اندازه می گیرد. این پرسشنامه فرم کوتاهی دارد که یک پرسشنامه ۶۰ سؤالی است و برای ارزیابی ۵ عامل اصلی روان رنجور خوئی (N)، برونگرایی (E)، بازبودن (O)، توافق پذیری (A) و وجدان گرایی (C) به کار می رود که مقیاس های آن از اعتبار بالایی برخوردارند و همبستگی بین مقیاس ها زیاد است. این تست قابل اجرا بر روی افراد به هنجار است. این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرتی (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) تنظیم شده است برخی از مواد این پرسشنامه به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. پایایی این پرسشنامه توسط مک کری و کاستا (۱۹۸۹) بین ۰/۸۳ تا ۰/۷۵ به دست آمده است. پایایی این آزمون توسط انیسی، مجدیان، جوشن لو و گوهری کامل (۱۳۹۰) روی نمونه ای از دانشجویان بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۷ گزارش شده است. ضرایب آلفای کرونباخ در هر یک از عوامل اصلی روان آزدگی خوئی، برون گرایی، باز بودن، ساز گاری و با وجدانی به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ به دست آمد. پایایی این پرسشنامه در این پژوهش با روش آلفای کرونباخ بین ۰/۷۱ تا ۰/۸۲ به دست آمد.

#### یافته ها

در بررسی متغیرهای جمعیت شناختی نمونه پژوهش مشخص گردید که ۲۱/۲ درصد پاسخگویان در گروه سنی کمتر از ۳۰ سال، ۴۳/۲ درصد ۳۱-۴۰ سال و ۳۵/۶ درصد در گروه سنی ۴۱-۴۵ سال بوده اند. همچنین نتایج نشان می دهد مدت ازدواج ۱۷/۸ درصد آزمودنی ها کمتر از ۵ سال، ۱۲/۳ درصد بین ۵-۱۰ سال، ۳۵/۲ درصد بین ۱۱-۲۰ سال و ۳۴/۷ درصد بیش از ۲۱ سال بوده است. فرضیه اصلی: مدل ساختاری صفات شخصیت از طریق فعال سازی-بازداری رفتار و ناگویی خلقی بر عملکرد جنسی از برآزش برخوردار است. فرضیه اول: بین ناگویی خلقی، فعال سازی-بازداری رفتار و صفات شخصیت با عملکرد جنسی زنان رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: صفات شخصیت بر ناگویی خلقی تاثیر مستقیم دارد.

فرضیه سوم: صفات شخصیت بر فعال سازی رفتار تاثیر مستقیم دارد.

فرضیه چهارم: صفات شخصیت بر بازداری رفتار تاثیر مستقیم دارد.

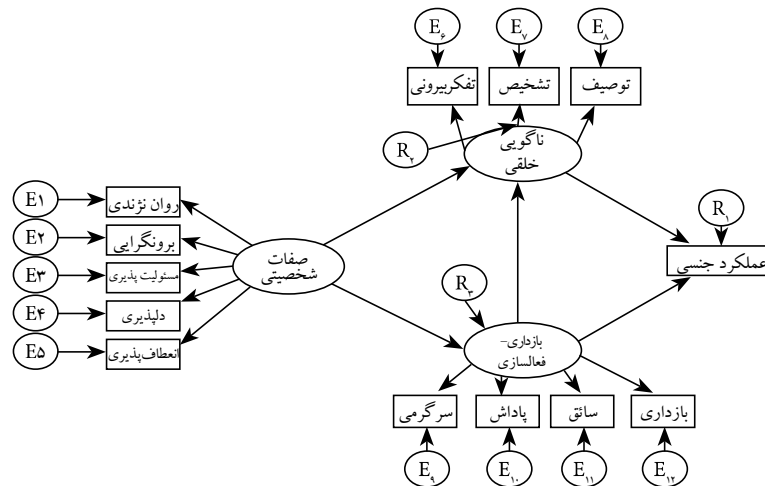
فرضیه پنجم: صفات شخصیت از طریق ناگویی خلقی بر عملکرد جنسی تاثیر غیر مستقیم دارد.

فرضیه ششم: صفات شخصیت از طریق فعال سازی رفتار بر عملکرد جنسی تاثیر غیر مستقیم دارد.

فرضیه هفتم: صفات شخصیت از طریق بازداری رفتار بر عملکرد جنسی تاثیر غیر مستقیم دارد.

۱. NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI)

۲. Costa & McCrae



## نمودار ۲ مدل نهایی پژوهش

### (روابط بین صفات شخصیتی، فعال سازی - بازداری رفتار، ناگویی خلقی و عملکرد جنسی)

الگوی این پژوهش در مجموع ۵ متغیر را در خود جای داده است. پنج متغیر آن یعنی صفات شخصیت (روان رنجور خوایی، برونگرایی، توافق پذیری، دلپذیری، وجدان گرایی) به عنوان متغیر برون زاء، ناگویی خلقی (دشواری در توصیف احساسات، دشواری در تشخیص احساسات، تفکر با جهت گیری درونی) و بازداری-فعال سازی رفتاری (سائق، پاسخ دهی به پاداش، جستجوی سرگرمی) متغیرهای میانجی هستند و عملکرد جنسی به عنوان متغیر درون زا مورد بررسی قرار گرفتند. پیش از بررسی ضرایب ساختاری، برازندگی الگوی پیشنهادی پژوهش را نشان می دهد.

طبق مندرجات جدول ۱ برای تعیین کفایت برازندگی الگوی پیشنهادی با داده های ترکیبی از شاخص های برازندگی استفاده شد. مدل یابی معادلات ساختاری دارای شاخص های برازندگی مدل را نشان می دهد. کای دو این آزمون بررسی کرد که تا چه اندازه مدل مورد نظر هماهنگ با الگوی همپراش بین متغیرها مشاهده شده است. یکی از شاخص های برازش مدل شاخص نیکویی برازش (CFI)<sup>۱</sup> است این شاخص هر چه به یک نزدیک تر باشد بیانگر برازش بهتر مدل است که در مدل حاضر این شاخص ۰/۹۷۳ به دست آمد. بنابراین می توان گفت که مدل دارای برازش خوبی است. شاخص توکر-لوییس (TLI)<sup>۲</sup> برای مقایسه مدل های جایگزین یا یک مدل پیشنهاد شده در مقابل مدل صفر به کار می رود مقدار این شاخص بین ۰ و ۱ تغییر می کند. مقدار ۰ نشان دهنده فقدان برازش و ۱ بیانگر برازش کامل است. شاخص برازش هنجار شده بر اساس تبدیل مقیاس کای دو ساخته شده و مقدار آن بین ۰ و ۱ تغییر می کند. شاخص برازش تطبیقی مقتصد (PCFI)<sup>۳</sup> به عنوان یکی از شاخص های برازش، اصلاح شده ی شاخص برازش هنجار شده می باشد. این شاخص تعداد درجات آزادی را به حساب می آورد که برای حصول

۱. Comparative fit index

۲. Tucker-Lewis Index

۳. Parsimony comparative fit Index





همبستگی بین پاسخ دهی به سائق، پاسخدهی به پاداش، جستجوی سرگرمی و بازداری رفتار با عملکرد جنسی معنی دار بوده است ( $P \geq 0/01$ ). نتایج دیگر نشان می دهد ضریب همبستگی بین روان نژندی، برون گرایی و توافق پذیری با عملکرد جنسی معنی دار بوده است ( $P \geq 0/01$ ).

**جدول ۳ برآورد استاندارد و غیر استاندارد، نسبت بحرانی و سطح معناداری پارامترهای اصلی ارائه شده در مدل (صفات شخصیتی، ناگویی خلقی و سیستم فعال ساز - بازداری رفتار با عملکرد جنسی)**

سطح معناداری	نسبت بحرانی	برآورد	پارامتر
P-Value	C.R	Us	S
0/006	-2/75	-3/66	روان نژندی ← صفات شخصیت
0/009	2/61	1/54	برون گرایی ← صفات شخصیت
0/084	-1/72	-5/41	انعطاف پذیری ← صفات شخصیت
0/011	2/54	1/39	دلپذیر بودن ← صفات شخصیت
0/001	-	1/00	مسئولیت پذیری ← صفات شخصیت
0/001	4/52	0/410	سائق ← فعال سازی رفتار
0/001	4/67	0/427	پاسخدهی به پاداش ← فعال سازی رفتار
0/001	5/48	0/558	جستجوی سرگرمی ← فعال سازی رفتار
0/001	-	1/00	بازداری رفتار ← فعال سازی رفتار
0/001	3/17	0/417	صفات شخصیت ← بازداری رفتار
0/001	3/76	0/987	صفات شخصیت ← فعال سازی رفتار
0/001	3/09	-2/93	صفات شخصیت ← ناگویی خلقی
0/001	4/23	2/73	سیستم فعال ساز رفتاری ← ناگویی خلقی
0/001	3/91	-0/159	ناگویی خلقی ← عملکرد جنسی
0/001	3/98	0/197	صفات شخصیت ← ناگویی خلقی ← عملکرد جنسی
0/01	3/27	0/187	صفات شخصیت ← فعال سازی رفتاری ← عملکرد جنسی
0/01	-2/71	-0/251	صفات شخصیت ← بازداری رفتاری ← عملکرد جنسی
0/001	-3/49	-1/34	روان نژندی ← ناگویی هیجانی ← عملکرد جنسی
0/001	3/57	0/986	برونگرایی ← فعال سازی رفتاری ← عملکرد جنسی
0/003	2/71	1/87	توافق پذیری ← فعال سازی رفتاری ← عملکرد جنسی

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می شود نسبت بحرانی بدست آمده بین صفات شخصیتی باناگویی خلقی ۳/۰۹ بدست آمده است که در سطح  $p \leq 0/001$  معنی دار بوده است. مقدار ضریب استاندارد نیز ۰/۳۶۶- بدست آمده است. بنابراین صفات شخصیتی بر ناگویی خلقی تاثیر داشته است بنابراین فرضیه دوم مورد تایید قرار می گیرد. در مورد فرضیه سوم طبق جدول ۲ نسبت بحرانی به دست آمده بین صفات شخصیت با فعال سازی رفتاری ۳/۷۶ به دست آمده است که در سطح  $p \leq 0/001$  معنی دار بوده است. بنابراین صفات شخصیت بر فعال سازی رفتاری تاثیر داشته است. مقدار ضریب استاندارد نیز ۰/۴۵۷ بدست آمده است. بنابراین فرضیه سوم مورد تایید قرار می گیرد. در مورد فرضیه چهارم همانگونه که در جدول ۳ نشان داده شده است نسبت بحرانی بدست آمده بین صفات شخصیت با بازداری رفتار ۳/۱۷ بدست آمده است که در سطح  $p \leq 0/001$  معنی دار

بوده است. مقدار ضریب استاندارد نیز ۰/۶۳۲ بدست آمده است. بنابراین فرضیه چهارم مورد تایید قرار می گیرد. در مورد فرضیه پنجم همانگونه که در جدول ۲ نشان داده است صفات شخصیت از طریق ناگویی خلقی بر عملکرد جنسی تاثیر غیر مستقیم دارد. نسبت بحرانی بدست آمده ۳/۹۸ بدست آمده است که در سطح  $p \leq 0/001$  معنی دار بوده است. مقدار ضریب استاندارد نیز ۰/۵۴۸ به دست آمد، صفت روان نژندی از طریق ناگویی خلقی بر عملکرد جنسی تاثیر غیر مستقیم دارد نسبت بحرانی بدست آمده ۳/۴۹ بدست آمده است که در سطح  $p \leq 0/001$  معنی دار بوده است. در مورد فرضیه ششم صفات شخصیت از طریق فعال سازی رفتار بر عملکرد جنسی تاثیر غیر مستقیم دارد. همانگونه که در جدول ۲ نشان داده است نسبت بحرانی بدست آمده ۳/۲۷ بدست آمده است که در سطح  $p \leq 0/001$  معنی دار بوده است. مقدار ضریب استاندارد نیز ۰/۴۷۸ به دست آمد و صفت توافق گری و برونگرایی از طریق فعال سازی رفتار بر عملکرد جنسی تاثیر غیر مستقیم دارد که در سطح  $p \leq 0/001$  معنی دار بوده است. در مورد فرضیه هفتم صفات شخصیت از طریق بازداری رفتاری بر عملکرد جنسی تاثیر داشته است. مقدار ضریب استاندارد ۰/۱۲۱- بوده است که با نسبت بحرانی به دست آمده ۲/۷۱- در سطح  $p \leq 0/001$  معنی دار بوده است و صفت روان نژندی از طریق ناگویی هیجانی بر عملکرد جنسی تاثیر دارد ( $p \leq 0/001$ ).

### بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تدوین الگوی عملکرد جنسی زنان متأهل از طریق صفات شخصیت با نقش میانجی ناگویی خلقی و سیستم فعال ساز- بازداری رفتار انجام شد. در ابتدا به برآزش مدل پژوهش حاضر پرداخته شد. نتایج معادلات ساختاری مربوط به داده ها مبنی بر برآزش مناسب مدل تحلیلی عملکرد جنسی زنان از طریق ناگویی خلقی، سیستم های فعال ساز- بازداری رفتار و صفات شخصیت نشان داد که مدل از برآزش خوبی، با داده ها برخوردار است و شاخص های برآزش مدل در وضعیت مطلوبی می باشد. نتایج پژوهش حاضر با پژوهش های ورمش و همکاران (۲۰۰۹) و بیرتنام و همکاران (۲۰۱۴) همسو است. در تبیین این یافته ها می توان بیان داشت که به طور کلی ویژگی های شخصیتی، الگوهای همسان افراد در رفتار، احساسات، افکار و ویژگی های فردی هستند که موجب تمایز فرد از دیگران میشوند. ویژگی های شخصیتی از جمله مواردی است که در چگونگی رفتار جنسی افراد نقش ایفا می کند (باس، ۲۰۰۹). نتایج پژوهش حاضر در مورد ارتباط ویژگی های شخصیتی با عملکرد جنسی با پژوهش های گرسپ و همکاران (۲۰۱۳)، شعاع کاظمی (۱۳۸۴)، کوینتا، گومز و نوبر (۲۰۱۱) همسو می باشد که نشان دهنده این موضوع می باشد که افراد برون گرا به دلیل اینکه تمایل به برقراری روابط اجتماعی بیشتری دارند، تعامل و روابط جنسی بیشتری را با شریک جنسی خود برقرار می کنند و از رفتار های تحریک کننده جدید و نوآورانه و خیال پردازی های مثبت جنسی استفاده می کنند، رفتار های جنسی رایج فعالیت اجتماعی می دانند

که در راستای رفتارهای برون‌گرایانه آنها قرار می‌گیرد، لذا طبیعی است که میل بیشتری به برقراری ارتباط جنسی دارند. زمانی که افراد در ویژگی‌های شخصیتی خود دارای صفت برون‌گرایی باشند زندگی جنسی فعال‌تری دارند و روابط آنها با شریک جنسی شان دارای کمیت و کیفیت بهتری می‌باشد، احساسات جنسی بیشتری را در رابطه جنسی خود دخیل می‌کنند و میل بیشتری نسبت به برقراری ارتباط دارند. روان‌رنجوری بعد دیگری از شخصیت است که در رفتارهای جنسی و عملکرد جنسی افراد نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و با ایجاد احساس گناه جنسی در افراد باعث شکل‌گیری اختلالات جنسی و در نتیجه پایین آمدن کیفیت زندگی جنسی افراد می‌شود. بر اساس یافته‌های گوینتا گومز و نویر (۲۰۱۱) روان‌رنجوری عملکرد جنسی افراد را مختل می‌کند. همچنین روان‌رنجوری باعث تغییر در نگرش‌های افراد به رابطه جنسی می‌شود. توافق‌پذیری و گشودگی یکی دیگر از متغیرهایی است که در پیش‌بینی رفتارهای جنسی نقش اساسی ایفا می‌کند و مبین این نظر می‌باشد افرادی که نسبت به تجربه‌های جدید باز و پذیرا هستند به دنبال افزایش احساسات و تحریکات جنسی خود بوده و در نتیجه عملکرد جنسی مطلوب‌تری دارند. افرادی که این صفت را دارا می‌باشند گرایش کلی به سمت خیال‌بافی‌های جنسی دارند که مشخصه اصلی آنها شکل‌گیری تجربه‌های نو و در نتیجه افزایش کمی و کیفی در فعالیت‌های جنسی می‌باشد. از سوی دیگر افراد دارای صفت روان‌نژندی بخاطر ترسی که از برقراری ارتباط دارند کمتر از دیگران به رابطه جنسی مبادرت می‌ورزند و از آن لذت کمتری می‌برند (پرز گانزالز، مویانو، سیرا، ۲۰۱۱).

مطالعات انسانی انجام گرفته به نقش سیستم‌های فعال‌سازی و بازداری در شروع مشکلات بالینی اشاره داشته‌اند. فعالیت‌های هر یک از سیستم‌های فعال‌سازی و بازداری مغزی با تجربه برخی علائم مرضی در ارتباط است و رفتارهای جنسی می‌تواند بر اساس سیستم‌های رفتار تنظیم گردد (جانسون، ترنر و ایواتا، ۲۰۰۳). نتایج پژوهش حاضر با پژوهش بیرنهام و همکاران (۲۰۱۴) همخوان می‌باشد. بررسی‌های روان‌عصب‌شناختی نشان می‌دهند که سیستم‌های بازداری رفتاری با انتقال‌دهنده عصبی دوپامین و سروتونین در ارتباط هستند (گارسیا، ۲۰۱۰). همچنین از برخی ساختارهای مغزی می‌توان به ارتباط فعالیت‌های هیپوتالاموس کامپ، که متشکل از ناحیه کناری، شکنج‌های مغزی و نواحی زیرقشری است با سیستم‌های فعال‌سازی رفتاری و هم‌چنین قشر پره فرونتال با سیستم‌های بازداری که مسئول تجربه هیجان منفی است اشاره داشت (گری و مک ناتون، ۱۹۹۶). همانطور که واضح است نواحی ذکر شده در انجام رفتارهای جنسی موثر و دارای نقش به‌سزایی می‌باشند، و عدم تعادل در کارکرد آن می‌تواند فرد را با اختلالاتی در عملکرد جنسی و دیگر زمینه‌های روانی روبرو سازد. همچنین اختلالات هیجانی و روان‌نژندی بانقص در عملکرد عاطفی و هیجانی به ویژه عواطف منفی با سیستم‌های بازداری مرتبط است و تجربه

۱. Pérez-González, Moyano & Sierra

۲. Johnson, Turner & Iwata

۳. Garcia

عواطف مثبت یا برخی سطوح برانگیختگی با سیستم فعال ساز رفتاری در ارتباط می باشد (پاینتوو همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶).

در خصوص نقش ناگویی خلقی در برآزش مدل حاضر می توان بیان کرد که ناگویی خلقی یک ویژگی شناختی عاطفی است و فرد مبتلا به آن در تنظیم و فهم هیجانات خود ناتوان است. زمانی که اطلاعات هیجانی نتوانند در فرایند پردازش شناختی، ادراک و ارزشیابی گردند، افراد از نظر عاطفی و شناختی دچار آشفتگی و درماندگی شده این ناتوانی می تواند سازمان عواطف و شناخت های آنان را مختل سازد. افراد با ناگویی هیجانی بالا در درک کردن و شرح هیجان های خود و دیگران ناتوان و عاجزند و برای همدلی استعداد ضعیفی از خود نشان می دهند. بنابر این آمادگی ابتلا به انواع اختلال های روان شناختی را دارند و از طرف دیگر آنان توان سازگاری کمتری دارند که این عدم سازگاری در فعالیت ها و عملکرد جنسی نیز خود را نشان می دهند و موید تایید نتایج این پژوهش می باشند (لاملی، نیلی و بورگر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷).

نتایج دیگر پژوهش نشان داد بین ناگویی خلقی با عملکرد جنسی رابطه معنی دار وجود دارد. یافته های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش های بونانو و همکاران (۲۰۰۸) همسو می باشد. در تبیین یافته های فوق می توان چنین بیان نمود که عدم توانایی در ابراز احساسات مانع شکل گیری اختلال در عملکرد جنسی میشود، به علاوه، عدم مدیریت هیجانها با توانایی ذهنی کمتر برای پردازش اطلاعات محیطی، بین فردی و اجتماعی همراه می شود. در واقع، این پردازش ضعیف میتواند باعث درک کمتر از پیامدهای منفی و زیانبار اختلال در عملکرد جنسی شود؛ بنابراین فرد در برابر فشارهای روانی و اجتماعی برای ایجاد کارکرد درست در فرایند های جنسی شکست میخورد (هاسکینک<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷ و تول و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰). این افراد به دلیل عدم آگاهی هیجانی و ناتوانی در پردازش شناختی احساسات خود، معمولاً قادر به شناسایی، درک و یا توصیف هیجان های خویش نیستند و توانایی محدودی در سازگاری با شرایط تنش زا دارند که باعث می شود هیجانها تخلیه نشود و احساسات منفی به صورت کلامی بروز یابد در نتیجه بر همین اساس جزء روانشناختی سیستم های ابراز هیجان و پریشانی روانی از جمله اختلال در عملکرد جنسی افزایش می یابد. افرادی که توانایی شناخت احساسات خود را دارند و حالت های هیجانی خود را به گونه ی موثری ابراز می کنند بهتر میتوانند با شریک جنسی خود ارتباط برقرار کنند و در سازگاری با محیط و دیگران موفق ترند؛ لذا این افراد از عملکرد جنسی مطلوب تری برخوردار خواهند بود.

بنابراین براساس یافته های پژوهش مشخص شد صفات شخصیتبه عنوان یک متغیر تاثیر گذار از طریق دو واسطه سیستم اجتنابی- فعال سازی رفتار و ناگویی خلقی بر عملکرد جنسی زنان به صورت غیر مستقیم عمل می کند بنابراین پیشنهاد می گردد برنامه های مرتبط با مهارت های روانی-

۱. Pinto &etal

۲. Lumley, Neely & Burger

۳. Hasking

۴. Tull& etal

اجتماعی شامل آموزش عشق ورزیدن به همسر، آموزش هوش هیجانی، تفکر مثبت و روابط مثبت جهت فعال سازی مغز انجام گیرد که این مداخلات با پرآموزی و تمرین درازمدت همسران جهت پردازش اطلاعات به صورت مثبت در ذهن انجام گیرد. بنابراین پیشنهاد می شود که پژوهشهای آتی بر عوامل میانجی دیگری که بر عملکرد جنسی نقش دارند پرداخته شوند. از محدودیت های پژوهش حاضر این است که این پژوهش صرفاً بر روی زنان صورت گرفت، لذا در تعمیم نتایج به مردان باید احتیاط لازم صورت گیرد؛ محدودیت بعدی این پژوهش به این حقیقت بر می گردد که با توجه به تابو بودن متغیر عملکرد جنسی این امر ممکن است باعث سوگیری در پاسخگویی به سوالات پرسشنامه تجارب جنسی شده باشد.

### منابع

- انیسی، جعفر، مجدیان، محمد، جوشن لو، محسن، و گوهری کامل، زهرا. (۱۳۹۰). بررسی اعتبار و روایی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی نئو در دانشجویان. مجله علوم رفتاری، (۵۵): ۳۵۱-۳۵۵.
- اوحدی، بهنام. (۱۳۸۵). تمایلات و رفتارهای جنسی انسان، تهران: انتشارات صادق هدایت.
- بشارت، محمد علی. (۱۳۸۸). ناگویی هیجانی و مشکلات بین شخصی. مطالعات تربیتی و روان شناسی دانشگاه فردوسی، (۱۰) ۷۸-۹۱.
- گشتاسبی، آریتا، وحدانی نیا، مریم سادات، رحیمی، عباس، و محمدی، علی. (۱۳۸۶). اختلالات عملکرد جنسی و ارتباط آنها با متغیرهای باروری در استان کهگیلویه و بویر احمد. مجله پایش، ۱(۷): ۶۷-۷۳.
- نوری زاده، رقیه، بایرامی، رقیه، رنجبر، فاطمه، پزشکی، فاطمه. (۱۳۸۴). اختلالات جنسی در زنان باردار. دومین کنگره سراسری خانواده و مشکلات جنسی، دانشگاه شاهد.
- شعاع کاظمی، مهرانگیز. (۱۳۸۴). ارتباط و تاثیر آن بر سلامت خانواده. مجله معرفت، ۹۱: ۱۰-۱۸.
- ثابتی آزاد رستمی، رضا؛ محمدی جوینده، سعید. (۱۳۸۶). بررسی رابطه ویژگی های شخصیتی و باورهای جنسی. خلاصه مقالات سوماتیک کنگره سراسری خانواده و سلامت جنسی، دانشگاه شاهد.
- عبداللهی مجارشین، رضا. (۱۳۸۵). رابطه سیستم های بازداری و فعال سازی رفتاری با سوگیری حافظه نا آشکار در افراد افسرده، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روان شناسی عمومی، دانشکده روان شناسی، دانشگاه تبریز.
- هومن، حیدر علی. (۱۳۸۸). مدل یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل، تهران: انتشارات سمت.
- Bagby, R. M., Parker, J. D. A. & Taylor, G. J. (1994). The twenty-item Toronto Alexithymia Scale-I. Item selection and cross-validation of the factor structure. *Journal of Psychosomatic Research*, 38, 23-32.
- Birnbaum, G. E., Mikulincer, M., Szepeswol, O., Shaver, P. R., & Mizrahi, M.

- (2014). When sex goes wrong: A behavioral systems perspective on individual differences in sexual attitudes, motives, feelings, and behaviors. *Journal of Personality and Social Psychology*, 106(5), 822-842.
- Bonanno, P. M., Michetti, R., Rossi, C., & Simonelli, B. (2008). T09-O-03 Regulation of emotions, alexithymia and male sexual well-being. *Sexologies*, 17( 1), 116-117.
  - Buss, D.M. (2009). How can evolutionary psychology successfully explain personality and individual differences?. *Perspectives on Psychological Science*, 4, 359-366.
  - Carver, C. S., & White, T. L. (1994). Behavioral inhibition, behavioral activation and affective responses to impending reward and punishment: The BIS/BAS Scales. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67(2), 319-333.
  - Costa, P.T., & McCrae, R. R. (1989). The NEO-PI/NEO-FFI manual supplement. Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.
  - Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1992). Revised NEO Personality Inventory (NEO-PI-R) and NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI) professional manual Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.
  - Crisp, C., Vaccaro, C., Fellner, A., Kleeman, S., & Pauls, R. (2015). The influence of personality and coping on female sexual function: a population survey. *Journal Sex Medical*, 12(1), 109-15.
  - Crisp, C., Vaccaro, C., Pancholy, A., Kleeman, S., Fellner, A.N., & Pauls, R. (2013). Is female sexual dysfunction related to personality and coping? An exploratory study. *Sex Medical*, 1(2), 69-75.
  - Garcia, J. (2010). Activity of the behavioral activation system and the behavioral inhibition system and psychopathology. *Journal Clinical and Health Psychology*, 6(6), 57-60.
  - Gray, J. A., & McNaughton, N. (2000). The neuropsychology of anxiety: An enquiry into the functions of the septohippocampal system. New York: Oxford University. 53-98.
  - Grazoiti, A., Serafini, A., & Palacios, S. (2009). Etiology, diagnostic algorithms & prognosis of female sexual dysfunction. *Maturities*, 63, 128-34.
  - Hasking, P.A. (2007). Reinforcement sensitivity, coping and delinquent behavior in adolescents. *Journal of Adolescence*, 30(5), 739-749.
  - Hisasue, S., Kumamoto, Y., Sato, Y. (2005). Prevalence of female sexual dysfunction symptoms & its relationship to quality of life: A Japanese female cohort study. *Urology*, 65, 143-8.
  - Johnson, S.L., Turner, R.J., & Iwata, N. (2003). BIS/BAS levels and psychiatric disorder: an epidemiology study. *Journal psychological Behavioral Assessment*, 25(3), 25-36.
  - Lumley MA, Neely LC, Burger AJ. (2007). The assessment of alexithymia in medical settings: Implications for understanding and treating health problems. *Journal of Personality Assessment*, 89(3), 46-230.
  - McGahuey, C.A., Gelenberg, A.J., Laukes, C.A., Moreno, F.A., Delgado, P.L., McKnight, K. M., & Manber, R. (2000). The Arizona Sexual Experience Scale (ASEX): reliability and validity. *Journal Sex & Marital Therapy*, 26(1), 25-40.
  - Mayer, I. D., & Salovey, P. (1997). What is emotional intelligence? In P. Salovey,



- & D. J. Sluyter (Eds), Emotional development and emotional intelligence: Educational implications, New York: Basic Books, 13-30.
- Palacios, S., Castano, R., & Graziotin, A. (2009). Epidemiology of female sexual dysfunction. *Maturities*, 63(1), 19-23.
  - Pinto, M.A., Caseras, X., Soler, J., Puigdemont, D., Perez, V., Torrubia R. (2006). Behavioral inhibition and behavioral activation system in current and recovered major depression participants. *Journal Person Individual Difference*, 40(2), 215-226.
  - Michetti, P.M., Rossi, R., Bonanno, D., Dominicis, D., Clori, F., Simonelli, C. (2007). Dysregulation of Emotions and Premature Ejaculation (PE): Alexithymia in 100 Outpatients. *The Journal of Sexual Medicine*, 4( 5), 1462-1467.
  - Perez-Gonzalez, S., Moyano, N., & Sierra, J. C. (2011). La capacidad de ensoñación sexual: su relación con la actitud hacia las fantasías sexuales y rasgos de personalidad. *Cuadernos de Medicina Psicosomática y Psiquiatría de Enlace*, 99, 9-20.
  - Ponholzer A, Roehlich M, Racz U. (2005). Female sexual dysfunction in a healthy Austrian cohort: Prevalence & risk factors. *EAU update series*, 47, 366-75.
  - Quinta Gomes, A., & Nobre, P. (2011). Personality traits and psychopathology on male sexual dysfunction: An empirical study. *Journal of Sexual Medicine*, 8, 461-469.
  - Segraves, R. T. (2002). Female sexual disorders: Psychiatric aspects. *Canadian Journal of Psychiatry*, 47, 419-425.
  - Tull, M.T., Gratz, K.L., Litzman, R.D, Kimbrel, N.A, & Lejuez, C.W. (2010). Reinforcement sensitivity theory and emotion regulation difficulties: A multimodal investigation. *J Person Individ Differ*, 49(8): 989-994.
  - Vermeersch, H., T'Sjoen, G., Kaufman, J.M., Vincke J. (2009). The relationship between sex steroid hormones and behavioural inhibition (BIS) and behavioural activation (BAS) in adolescent boys and girls. *Personality and Individual Differences*, 47(1), 3-7.



## Structural Equation Modeling of Sexual Function Based On Alexithymia, Behavioral Avoidance/ Activation Systems and Personality Traits In Married Women

S. Dehghani\*  
S. Khaleghipour\*\*

### Abstract

This study aimed to determine the structural equation modeling of sexual function based on alexithymia and behavioral avoidance/ activation systems and personality traits in women. The population was all married women living in Esfahan which 226 of them were selected by convenience sampling method as sample and responded to NEO Five-Factor Inventory (McCrae & Costa, 1989), the Arizona' Sexual Experience Questionnaire (1993), Toronto Alexithymia Scale (Bagby, Parker & Taylor, 1986), Behavioral Avoidance/Activation System Scale (Carver & White, 1994). Data was analyzed by using Pearson correlation and confirmatory factor analysis. The result showed that there was a significant negative relationship between alexithymia, behavioral avoidance with sexual function ( $P < 0.001$ ). There was a significant positive relationship between behavioral activation with sexual function ( $P < 0.001$ ). Neuroticism due to behavioral inhibition, alexithymia had a negative impact on sexual function ( $P < 0.001$ ). Extroversion and agreeableness due to behavioral activation had a positive impact on sexual function ( $P < 0.001$ ). Conceptual model of sexual function based on alexithymia, behavioral avoidance/ activation systems and personality traits had an acceptable goodness of fit ( $CFI = 0.97$ ).

**Keywords:** sexual function, alexithymia, behavioral avoidance/ activation systems, personality traits.

---

\*Student of Clinical Psychology, Department of Psychology, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

\*\*Assistant Professor, Department of Psychology, Naein Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran (Corresponding author: khaleghipour@naeiniau.ac.ir)